



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۵/۲۳

رفعت حسینی

پوده گی در افغانستان

پوده در لغت نامه دهخدا:

پوده. [د / د] (ص)

پوک. پوچ، میان تهی، خالی.

و در بین توده مردم مفهوم {بی همه چیز} را افاده مینماید. به آدم هیچکاره [آدم پوده] میگویند.

از کلکینی که من گذشته و امروز خاکستان افغانستان را سیل می کنم «پودگی» را در تاروپود آن باریشه کهنسال درمی یابم.

نشانه های گزیده از [پودگی فرهنگ!] در افغانستان:

یک:

القاب به دولتمردان:

به امیرعبدالرحمان لقب (روشنایی) ضیالملة والدین و به امیرحبيب الله لقب (چراغ) سراج الملة والدین را [مشاورین ارشد] آنان سرش نموده بودند.

امیررحمان بافرمانی بفرش رسانیدن دختران کودک و بانوان جوان و پیر هزاره را قانونی و مجاز ساخت.

حبیب سراج در روشنایی چراغ ساخته شده بوسیله مشاورین ارشد {چاکر زر و منصب!}، «حرم سرایی» برای (فعالیت های آزاد و جایز دینی با سند نکاح خط اسلامی) ساخت. درین حرم سرای خیلی فقیر! و بی بضاعت (((۱۲۹))) بانوی دلفریب و معصومانه! سکسی، از اقوام پشتون، تاجیک، ازبک، هزاره، ایماق، نورستانی، ترکمن مشغول به ادای نماز های شکرگزاری بدرگاه قادر متعال بودند.

برخی از مجددی ها از شریر ترین افراد فته برانگیز و مهاجم بفرهنگ انسانی و مدنیت بوده اند. توطئه های شیطانی مجددیها در پاشان سازی نهضت های انسانی و مدنی بادشاه دیموکرات افغانستان امان الله، هیچگاه فراموش آگهان نمیشود.

صبغت الله با شیدای های درازمدت قادر به نشستن برچوکی ریاست جمهوری افغانستان شد و چکه چوران همجوال بوی لقب پروفیسر را چسپاندند.

لقب خونچکان از خون بیگنهان خاکستان، رهبر کبیر خلق تره کی، نمودار یک فرهنگ! پوده و بیمار نیست آیا؟

ملا ربانی و احمدشاه مسعود چپاولگر ایجادگران شورای لندگران مشهور به شورای نظار بودند. «پبسه بگیران پخته» اولی را استاد و دومی را قهرمان ملی خطاب نمودند.

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

اولی استاد پوده اندیش و دومی قهرمان ملی در بودگی تفکر بود.

دو:

القاب بشاعران:

به عنصری بلخی لقب خارا بین [استاد استادان زمانه] را چاکران هیئت حاکمه در عهد ستمگریهای غزنویان ساختند. مگر بودگی اندیشیدن آنقدر زیربنای قوی در خاکستان افغانستان دارد که حتا امروزه برخی باسوادان تحصیل کرده چپگرا و کمونیست نیز به اشعار عنصری برای تار جگران رفاه مردم فخر می کنند و اشعار مداحی برای ستمگران را مایه های رشد و ارتقای پارسی میدانند.

سعدی و جلال الدین بلخی و حافظ وووو را بت های ادبی، با لقب های خیال برانگیز ساخته اند.

آنان سروده بیشماری دارند با درنمایه های بیگانه بل مدنیّت و فرهنگ انسانی.

من نگاشته های متعددی درین زمینه دارم و یگان تای آنها در گذشته در فیسبوک نیز گذاشته ام.

چندسطر پایین را مرور نمایید:

رفعت حسینی

نکوهش بانوان در شع رپارسی:

بخش نخست

نکوهش بانوان و سخنهای یلوه و نادرست و بی دادگرانه در پیرامون آنان، در خلال سروده های فراوان نامداران شعر پارسی در گذشته ها، واقعیت ننگین و پرآزرمی می باشند.

اگر زندگانی بمن فرصت دهد، درین زمینه بیشتر و مبرهن تر خواهم نگاشت.

درین فشرده این اشارت ها را بخوانید:

ابوالقاسم فردوسی، که او را یگان تا حماسه! سرا میدانند، فریاد می زند:

زن واژدها هردو در خاک به

جهان پاک زین دو نا پاک به

چه خوش گفت شاه جهان کیقباد

که نفرین به هرچه زن نیک باد

زکار زن آید همه کاستی

خجسته زنی کو ز مادر نژاد

زنان را همین بس بود یک هنر

نشینند وزایند شیران نر

از اسدی توسی بخوانید:

زن هر چه دلیر و بازور و دست

همان نیم مرد است هر چه که هست

زنان چون درختند سبز آشکار

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی دلپکنیزې بنی پازوالي دلپکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

ولی از نهران زهر دارند و مار

و سنایی غزنوی که حکیم! کامل! خوانندش، چنین استدلال می نماید:

اشتهاقش ز چیست دانی زن؟

یعنی این قحبه را بزور بزنی

=

چو کردی مشورت بازن

خلاف آن کن ای نادان

=

حمله با شیر مرد همراه است

حیله کار زنت و روباه است

=

از بدی های زن مشو ایمن

گر چه از آسمان نزول کند

حجت خراسان! لقبیست که به ناصر خسرو پرتاب نموده اند.

حجت! نصیحت میکند که:

به گفتار زنان هرگز مکن کار

زنان را تاتوانی مرده پندار

زنان چون ناقصان عقل و دینند

چرا مردان ره آنان گزینند؟

===

زیور و زیب زنان است حریر و زر و سیم

مرد را نیست بجز علم و خرد زیور و زیب

==

جامی را که مولانا!! و حکیم! نیز قلمداد نموده اند، جیغ میزند که:

زن از پهلوی چپ شد آفریده

کس از چپ راستی هرگز ندیده

=====

مولانا! جلال الدین بلخی، که خداوندگارش می شمارند، و مثنوی وی را قرآن لسان پهلوی هم میگویند، انشاد می نماید:

هر بلا که در جهان بینی عیان

هست از شومی زن اندر میان

نفس خود را زن شناس و زان بتر

زان که زن جزء است و نفس کل بشر

مشورت با نفس خود گر میکنی

هر چه گوید کن خلاف آن دنی

==

گفت پیغمبر که زن بر عاقلان

غالب آید سخت و بر صاحبان

د پانوی شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ

==
باز زن بر عاقلان چیره شوند
زان که ایشان تند و بس خیره سرند
==
گفته ست مصطفا که ز زن مشورت مگیر
این نفس ما زنست اگر چه که زاهده ست
=
چند با آدم ابلیس افسانه کرد
چون حوا گفتش بخور، آنگاه خورد
اولین خون در جهان ظلم و داد
از کف قابیل بهر زن فتاد
=
مزن در وادی مکر و حیل گام
که از مکر زنان افتی تو در دام
=
هیچ زن را نگاه نتوان کرد
وزیدی در پناه نتوان کرد
=
زان که ابلیس یار ایشانست
زان سبب مکر کار ایشانست
..